

ادبیات تطبیقی در الجزایر؛ از استعمار تا بهار سیاسی

تورج زینی‌وند*^۱، روژین نادری^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱

چکیده

پیدایی و شکوفایی ادبیات تطبیقی در الجزایر با فرازوفرودهای گوناگونی همراه بوده است. با ورود فرانسویان به خاک الجزایر در سال ۱۸۳۰م، این کشور صحنه تاخت و تازهای استعماری آنان قرار گرفت و اولین تلاش آنان، تغییر زبان و فرهنگ مردم آن سرزمین بود. از همین رو غالب پژوهش‌های تطبیقی نیز تحت تأثیر این شرایط، به زبان فرانسوی نگاشته شدند. سرانجام در سال ۱۹۶۲م، الجزایر با انقلاب مردم به بهار سیاسی راه یافت. «تعریب» زبان در حوزه پژوهش‌های تطبیقی، اهتمام به بازخوانی تصویر الجزایر در آثار اروپاییان از جمله فرانسویان و آلمانی‌ها، تخصیص واحدهای دانشگاهی به ادبیات تطبیقی و مکاتب این شاخه ادبی و برگزاری همایش‌های بین‌المللی از گام‌های تطبیق‌گران الجزایری در پیشرفت و به‌روزرسانی ادبیات تطبیقی در این کشور است. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی درصدد است تا ضمن به‌تصویر کشیدن سیر تاریخی ادبیات تطبیقی در الجزایر، با تقسیم تاریخ معاصر آن کشور به دوره استعماری و پساستعماری، گام‌هایی که تطبیق‌گران الجزایری در پیشرفت و به‌روزرسانی ادبیات تطبیقی در این کشور برداشته‌اند، بنمایاند. در نهایت به این مهم دست یافت که این تحقیقات پژوهش‌هایی صرفاً تطبیقی‌اند که به بررسی روابط متقابل ادبیات فرانسه و آلمانی و ادبیات عربی با تکیه بر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند. نادیده انگاشتن نظریه‌ها و مکتب‌های جدید همچون مکتب امریکایی و نظریه اسلامی ادبیات تطبیقی، اهمال بحث‌های نظری و نیز برگزاری همایش‌ها و انجمن‌های ادبیات تطبیقی با صبغه غالباً فرانسوی از دیگر ویژگی‌های پژوهش‌های تطبیقی در الجزایر است.

واژه‌های کلیدی: الجزایر، ادبیات تطبیقی، استعمار، زبان فرانسوی و عربی.

۱. مقدمه



جهان عرب از آغاز شکل‌گیری ادبیات تطبیقی در غرب، در عرصه پژوهش‌های تطبیقی حضور داشته و بر آن بوده است تا همواره خود را با تحولات آن تطبیق دهد:

مصری‌ها در میان عرب‌ها، نخستین توجه‌ها را به ادبیات تطبیقی نشان دادند، بیشتر کتاب‌های مرتبط با حوزه ادبیات تطبیقی را مصری‌ها یا خود تألیف کرده و یا آن‌ها را از زبان‌های اروپایی و غربی به عربی ترجمه نموده‌اند. البته بعد از مصر، کشورهای لبنان، سوریه، الجزایر، تونس، مراکش، اردن، کویت و حتی یمن هم به ادبیات تطبیقی توجه نموده‌اند و در دانشگاه‌های خود واحدها و دروسی را در این زمینه ارائه کرده‌اند (محسنی‌نیا، ۱۳۸۹: ۹۴).

موقعیت جغرافیایی الجزایر و پیشینه تمدنی و تاریخی آن از یک سو و تحولات دو قرن گذشته در این کشور به‌خصوص استعمار فرانسه و تحولات پس از آن از سوی دیگر در شکل‌گیری و تطور ادبیات تطبیقی در این کشور تأثیر بسزایی گذاشته است. از این‌رو ادبیات تطبیقی دوره استعمار و پس از استعمار نمادی از تنوع ادبیات در این کشور است. اما از آنجا که بسترهای فرهنگی و اجتماعی، نقشی اساسی در صورت‌پذیری شکل و محتوای این متن‌ها دارند، ضرورت دارد نخست بخشی از مقاله را به تبیین اوضاع سیاسی و زمینه‌های تاریخی‌ای اختصاص دهیم که ادبیات الجزایری در آن سیر کرده است. از دیگر سوی، بدیهی است که نوع تعامل و رابطه میان ملت‌های فرانسه و الجزایر بر نحوه پژوهش‌های تطبیقی آن‌ها مؤثر افتاده است؛ بنابراین بررسی جریان‌هایی که زمینه‌ساز تحول در این روابط شده‌اند، تا حد زیادی روشن‌گر آبخشورهای فکری تطبیق‌گران فرانسوی و الجزایری خواهد بود. مقاله حاضر کوششی است در جهت بررسی سیر تحولات ادبیات تطبیقی در الجزایر که با رویکردی عمدتاً توصیفی-تحلیلی، پیامدهای حضور استعمارگران را در روند شکل‌گیری پژوهش‌های تطبیقی بازخوانی و تحلیل می‌کند.

۲. بحث

۲-۱. سیر تحولات تاریخ معاصر الجزایر

الجزایر در تاریخ معاصر، فرازونشیب‌های فراوانی را به چشم دیده است. ورود فرانسویان به خاک این کشور از یک سوی و جنگ‌های داخلی چندین‌ساله، از حوادث خونین و تلخ این سرزمین است:

در سال ۱۸۳۰ فرانسویان وارد الجزایر شدند و با سلاح آنجا را قبضه کرده، حکومت تشکیل داده و حکام و افسران خود را به حکومت و فرمان‌دهی آن کشور گماشتند و ۱۳۰ سال با اعمال جنایت‌کارانه خود در الجزایر تاختند. (آزرون، ۱۳۶۵: ۱۶).

این کشور پیوسته اسیر خشونت بوده است؛ از کودتای ارتشیان تا جنگ داخلی میان دولت الجزایر با اسلام‌گرایان «جبهه نجات»^۱ اسلامی، همگی رویدادهایی بودند که تاریخ الجزایر را با خشونت گره زد:

جنگ استقلال الجزایر که از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ به طول انجامید و قربانیان زیادی بر جای گذاشت، در ادبیات [الجزایر و عرب‌زبانان] بازتاب گسترده‌ای داشته و دارد؛ چنان‌که امروزه نیز، پس از گذشت نیم‌قرن از امضای «توافقات ایوان»^۲ همچنان شاهد پیدایش آثار جدیدی در مورد این جنگ هستیم. (علوی و رضوان‌طلب، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

از پیامدهای حضور استعمارگران در الجزایر، تغییر فرهنگ و زبان این مرزوبوم بود: فرانسه در راستای تحکیم سلطه فرهنگی و سیاسی خود در الجزایر، با به‌دست گرفتن کلیه امور آموزشی، سیستم جدیدی از آموزش و پرورش را پایه‌ریزی کرد، و برنامه‌های ویژه‌ای را برای ترویج زبان فرانسه و کاربرد اجباری آن در مدارس تدارک دید؛ به گونه‌ای که زبان و فرهنگ و تمدن عربی مهجور ماند. (همان، ۲۴۶).

ادبیات تطبیقی نیز از این امر مستثنا نبود و تطبیق‌گران، تألیفات خویش را به زبان فرانسوی می‌نگاشتند.

۲-۲. ادبیات تطبیقی الجزایر در زمان استعمار

اصولاً «استعمار علاوه بر بی‌ارزش کردن زبان یک قوم، مستلزم برکشیدن زبان استعمارگر بوده است. غلبه بر زبان یک قوم با واسطه زبان‌های ملل استعمارگر برای غلبه بر جهان ذهنی



استعمارشدگان شایان اهمیت بوده است» (صالح حسینی به نقل از واتینگو، ۱۳۹۰: ۶۷). اولین چیزی که فرانسویان پس از ورود به الجزایر کمر به آن بستند، تغییر فرهنگ و زبان و خط عرب‌های الجزایر بود:

با اختلاف انداختن بین عناصر جامعه الجزایری یعنی عرب‌ها و بربرها (ساکنان اصلی) تلاش کردند که بربرها را قانع کنند که اصالت آن‌ها اروپایی است و زبانی ویژه خود دارند که سزاوار نیست مورد بی‌اعتنایی قرار گیرند و همچنین تلاش کردند که مانع آموزش زبان عربی به بربرها شوند (ابن‌بادیس، ۱۳۶۸: ۴۹).

فرانسویان به‌بانه اشاعه تمدن، سیاست فرهنگی فعالی درپیش گرفتند و مقاصد استعماری‌شان رنگ فرهنگی به خود گرفت:

آن‌ها به فکر تأسیس دانشگاهی برای فرانسویان مقیم در الجزایر برآمدند و سرانجام در سال ۱۹۰۹ این ایده عملی شد و دانشگاه الجزایر در پایتخت بنا گشت. قوانین و اصول آموزشی این دانشگاه مطابق با قوانین دانشگاه‌های فرانسه بود و زبان‌های بیگانه که زبان عربی هم یکی از آن‌ها شمرده می‌شد، به زبان فرانسه در آنجا تدریس می‌شدند (حنون، ۲۰۰۴ الف: ۱۱۴).

ادبیات تطبیقی، همان‌گونه که یک واحد درسی در گروه ادبیات فرانسه پاریس بود، در دانشگاه الجزایر نیز تدریس می‌شد. پیش از تأسیس دانشگاه الجزایر، انجمن‌هایی با محوریت ادبیات تطبیقی در الجزایر تشکیل شد که در قالب نشست‌هایی مباحث و گفت‌وگوهایی همچون «اسلام و زبان‌های بیگانه» و «پیشرفت و اسلام» که به‌نحوی با ادبیات تطبیقی در ارتباط بودند، به دو زبان عربی و فرانسوی مطرح می‌شد. از جمله «انجمنی تحت عنوان انجمن رشیدیّه در سال ۱۸۹۴ و انجمن دیگری با نام انجمن توفیقیّه در سال ۱۹۰۸» (سلمان، ۱۹۸۱: ۱۵۸) تا اینکه در سال ۱۹۱۹م پژوهش‌های تطبیقی رنگ آکادمیک به خود گرفت؛ از همین رو سال ۱۹۱۹ در تاریخ ادبیات تطبیقی در الجزایر اهمیت و جایگاه خاصی دارد؛ زیرا:

در این دهه است که ادبیات تطبیقی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی [پس از گذشت ده سال از تأسیس دانشگاه الجزایر] در سال ۱۹۱۹ بر اساس مکتب فرانسه در این کشور ظهور

یافت و در دانشگاه فرانسوی الجزایر تدریس شد. [البته نکته شایان ذکر آن است که استعمار دامن ادبیات تطبیقی را گرفته بود و تا پس از انقلاب سیاسی الجزایر، اصول، اهداف و مبانی این شاخه ادبی تابع اصول آموزشی ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های فرانسه بود (مکی، ۲۰۰۲: ۱۹۳).

حتی «زبان نگارش آثار تطبیقی نیز فرانسوی بود» (جلالی، ۲۰۰۸: ۱۷) و شمار محدودی از پژوهشگران به زبان عربی می‌نوشتند؛ چنان‌که محمدبن ابی‌سنب و فرزندش سعدالدین ابی‌سنب که از پیش‌گامان ادبیات تطبیقی در الجزایر به‌شمار می‌روند، تألیفات تطبیقی را به زبان فرانسوی نوشتند. آنچه در الجزایر گذشته- تا قبل از ۱۹۵۳- جملگی در حوزه تطبیق صرف است و نه تئوری. با درنظر گرفتن این نکته، چهره‌های شاخص این حوزه ادبی در دوران استعمار الجزایر را معرفی می‌کنیم.

۲-۱- محمدبن ابی‌سنب

محمدبن ابی‌سنب^۳ از ادیبان الجزایری است که در حوزه ادبیات تطبیقی با محوریت فرانسوی-عربی فعالیت می‌کرد. او می‌کوشید تا از طریق ترجمه تألیفات عربی به فرانسوی و پژوهش‌های تطبیقی، فرهنگ و تاریخ گذشته الجزایریان را بازخوانی و به غربیان معرفی کند. وی به زبان‌های متعدد تسلط داشت و «از طریق ترجمه که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پژوهش‌های تطبیقی و پل گفت‌وگوی زبان‌ها محسوب می‌شود» کانالی برای ارتباط با سایر ملل گشود (شریف، ۲۰۱۴: ۸). او همچون سایر تطبیق‌گران جهان عرب، کار خود را تحت تأثیر مکتب فرانسه ادبیات تطبیقی شروع کرد و به تأثیرگذاری و نیز اثرپذیری جهان عرب از غرب پرداخت. «ریشه‌های اسلامی کمدی الهی دانتته»^۴ (۱۹۱۹) اولین کار تطبیقی در الجزایر است که ابی‌سنب به زبان فرانسوی به رشته تحریر درآورد. او در این پژوهش به بررسی تأثیر رساله الغفران ابوالعلائی معری بر کمدی الهی دانتته پرداخته است (محمد الجیلانی، ۱۹۸۳: ۱۲). در واقع ابی‌سنب با بررسی تأثیر ادبیات عرب در ادبیات ملت‌های دیگر کوشید از طریق پژوهش‌های دقیق دانشگاهی، ارزش ادبیات عرب را بنمایاند. گفتنی است که در همین سال



(۱۹۱۹)، میگل آسین پالاسیوس^۵، خاورشناس و محقق اسپانیایی که در زمینه تأثیر اندیشه و فرهنگ اسلامی در ادبیات اروپا تحقیقات بسیار انجام داده و پژوهش‌هایی درباره سه تن از سران تصوف اسلامی به نام‌های ابن مسره، غزالی و ابن عربی کرده،^۶ است، کتابی شبیه به آنچه اُبی‌شنب منتشر کرد، به رشته تحریر درآورده است. «پالاسیوس در کتاب خود با عنوان معادشناسی الهی در کلمی الهی^۷، این شاهکار دانتی را، هرچند نه با قطعیت، متأثر از معراج پیامبر اسلام دانسته است» (ندا، ۱۹۹۱: ۱۴۵). البته اُبی‌شنب در همان سال و با عنوانی مشابه در الجزایر، بدون اشاره به آسین پالاسیوس، کتاب خود را به چاپ رسانید.

نکته حائز اهمیت این است:

وی بین دو فرهنگ غربی و عربی جمع بست. او با وجود اینکه از همان کودکی از آبشخور فرهنگ فرانسوی می‌نوشتید و در مدارس و دانشگاه‌هایی که فرانسویان با هدف فارغ‌التحصیل کردن نسلی به دور از فرهنگ عربی-اسلامی بنا نهادند تحصیل کرد، ولی برای محافظت از فرهنگ خویش در برابر اشغالگران دژی محکم ساخت (سعدالله، ۱۹۹۸: ۲۱۱).

هرچند تألیفات او به زبان فرانسوی بود، اما پیوسته رنگ‌وبوی عربی-اسلامی داشت. شنب حتی در کنفرانس‌ها و نشست‌هایی که در اروپا پیرامون ادبیات تطبیقی برگزار می‌شد، با لباس بلند عربی که مبین پابندی او به اصالت و هویت اسلامی و الجزایری اوست، حضور می‌یافت. وی را ادیب و دانشمندی فرانسوی و با اندیشه عربی-اسلامی می‌شناختند (کردعلی، ۱۹۹۳: ۳۴۲).

مجموعه فعالیت‌های تطبیقی شنب حول سه محور است:

۱. پژوهش‌های تطبیقی در حوزه زبان‌شناسی: این قسم به بررسی لهجه‌های رایج الجزایر

اختصاص دارد:

اُبی‌شنب در کتاب الفاظ ترکی و فارسی موجود در لهجه الجزایری^۸ و کتاب الفاظ ایتالیایی وارده در زبان عامیانه الجزایری^۹ (۱۹۲۲) (که همچنان نسخه خطی آن موجود است) بخشی از پژوهش‌های تطبیقی خود را به بررسی واژگان بیگانه از جمله فارسی و ترکی و ایتالیایی در لهجه‌های الجزایر اختصاص داده است (نویهض، ۱۹۷۱: ۱۶۵).

۲. تأثیر ادبیات اسلامی در ادبیات اروپایی: وی در کتاب *ریشه‌های اسلامی کمدی الهی دانته* (۱۹۱۹) تأثیر *رسالة الغفران* ابوالعلائی معری را در کمدی الهی دانته بر اساس اصول مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی واکاوی کرده است (همان، ۱۶۵). *ریشه‌های اسلامی کمدی الهی دانته* تنها اثری است که درباره ادبیات تطبیقی از این نویسنده به دست ما رسیده است.

۳. پیوندهای ادبیات الجزایری با دیگر کشورهای اسلامی: آبی‌شنب در این قسم بر این اصل تأکید می‌کند که فرهنگ و ماهیت کشورهای عرب‌زبان واحد است:

او در کتاب *ضرب‌المثل‌های عربی موجود در الجزایر، تونس و مغرب*^{۱۰} (۱۹۰۷) به بررسی ضرب‌المثل‌های رایج در کشورهای الجزایر، تونس و مغرب به‌عنوان شاهد مثال‌های ادعای خویش پرداخته است. وی جزء اول را در سال ۱۹۰۵ در ۳۰۲ صفحه و جزء دوم را در سال ۱۹۰۶ در ۳۰۸ صفحه در پاریس منتشر کرد (محمد الجیلانی، ۱۹۸۳: ۱۳).

اولین چیزی که فرانسویان پس از ورود به الجزایر کمر به آن بستند، تغییر فرهنگ و زبان الجزایر بود:

برخی از ادیبان و دانش‌پژوهان در واکنش به این اهداف استعماری و حفظ زبان و فرهنگ اسلامی خود، به زبان مادری، یعنی عربی می‌نوشتند. این اهتمام ابتدا محصور در تعداد خاصی همچون «الشیخ محمد طفیش» و یا مراکز و مؤسسات قدیمی بود. اما پس از یک سال، انجمنی تحت عنوان «انجمن دانشمندان مسلمانان الجزایری» به ریاست «الشیخ عبد الحمید بن بادیس» جهت ادامه راه مدافعان زبان و فرهنگ عربی-اسلامی تشکیل شد (رابح، ۱۹۷۴: ۱۳۱).

از جمله تطبیق‌گرانی که در این روزگار با سایر زبان‌های زنده دنیا آشنایی داشتند، اما تألیفات خود را به زبان عربی می‌نوشتند، رمضان حمود و احمد رضا حوحو هستند.

۲-۲-۲. رمضان حمود

رمضان حمود^{۱۱} از شاعران و ناقدان برجسته الجزایری است:

وی ضمن آنکه شعر می‌گفت، فضای کلاسیک حاکم بر شعر معاصر الجزایر را نیز نقد می‌کرد و به ایجاد تحولی بنیادی در شعر اعتقاد داشت. او به تحولی اساسی در ساختار و محتوای شعر و ارتباط ادبیات عرب با ادبیات غرب فرامی‌خواند و به این هدف نیز رسید



و شعر و ادبیات عربی را از قیدوبند اصول گذشته رهایی بخشید. [...] تا آنجا که او را پیشوای شعر آزاد در الجزایر می‌خوانند (ناصر، ۱۹۸۵: ۱۰۰).

حمود معتقد بود ادبیات الجزایری روبه سرایشی دارد و نیازمند تحول است؛ بنابراین ایجاد رابطه با ادبیات ملل دیگر را راه رهایی از رکود حاکم می‌دانست. وی از جریان‌ها و مکاتب ادبی و آثار شاعران و نویسندگان غرب اطلاع داشت و تحت تأثیر مکتب رمانتیسم بود. ویکتور هوگو و ویلیام شکسپیر شاعران و نویسندگان فرانسوی و انگلیسی‌تباری هستند که رمضان حمود به معرفی آثار، اندیشه و سبک ادبی‌شان به مخاطبان پرداخت؛ درباره این دو چنین می‌نویسد:

این دو چگونه عصرشان را برای خواننده به تصویر کشیده‌اند. تا آنجا که وقتی آثار آن‌ها را مطالعه می‌کنی، گویی در آن زمان حضور داری و پیشرفت و افول و عدالت و ستم و دین و کفر و ... موجود در جامعه آن روزگار را به خوبی حس می‌کنی (همان، ۱۰۵).

۲-۳. احمدرضا حوحو

احمدرضا حوحو^{۱۲} یکی از متأثران از داستان *بینوایان*^{۱۳} ویکتور هوگو^{۱۴} است. او آن چنان تحت تأثیر این نویسنده فرانسوی بود که در کتاب *صاحبه الوحی* (۱۹۸۳) درصدد نگارش درباره «بینوایان جهان عرب» برآمد:

هنگامی که بینوایان ویکتور هوگو را خواندم، روح فقر و بدبختی را از لابه‌لای سطرها حس کردم و درد و آشفتگی در وجودم برانگیخته شد و پریشانی او با پریشانی من و غم و درد او با غم و درد من آمیخته شد. و طولی نکشید که این عواطف مرا به نگارش کتابی نظیر *بینوایان* ویکتور هوگو سوق داد؛ البته این کتاب همان طور که ترجمه کتاب ویکتور هوگو نیست، ابتکار و کاری نو نیز به‌شمار نمی‌آید؛ بلکه آمیزشی از دو روح و جان فقیر و دردآلود است. گویا ویکتور هوگو این داستان را دیکته کرده و من نیز آن را به رشته تحریر درآورده‌ام (حوحو، ۱۹۸۳: ۸۹).

عبدالمجید حنون درباره میزان اثرپذیری حوحو از ویکتور هوگو چنین می‌نویسد:

اثرگذاری ویکتور هوگو بر احمدرضا حوحو بسیار شدید بوده است. چنان‌که - خود حوحو نیز اذعان داشته - هوگو دیکته کرده و حوحو می‌نوشته است. لذا می‌توان گفت

منبع الهام‌پذیری تمام افکار و اندیشه‌های حوحو، هوگو بوده است و این نهایت تأثیرپذیری است (حنون، ۲۰۰۴ ب: ۴۰).

این دو نویسنده عرب‌زبان - که با وجود تسلط به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی آثار خود را همواره به زبان عربی می‌نوشتند - هرچند نگاهی نقدی و تطبیقی به آثار ادبی داشتند، پژوهش‌های تطبیقی مرکز توجه آن‌ها نبود (جلالی، بی‌تا: ۱۶۷)؛ بلکه آن‌ها به سبب آشنایی با ادبیات غرب دست به آفرینش آثار ادبی زده‌اند، بدون آنکه به بررسی تأثیرگذاری و اثرپذیری آثار غربی از ادبیات عربی الجزایر بپردازند و از این گذر، در معرفی ادبیات الجزایر و جهانی شدن آن سهم باشند.

۲-۳. ادبیات تطبیقی پس از انقلاب سیاسی

در ۵ ژوئیه ۱۹۶۲ استقلال الجزایر رسماً اعلام شد (علوی و رضوان‌طلب، ۱۳۹۲: ۲۴۴) بعد از فروپاشی استعمار، ملت الجزایر کوشیدند فرهنگ، دین و زبان خود را احیا کنند.

۲-۳-۱. دهه شصت

در کنار تألیفاتی که به زبان عربی نوشته می‌شد، برخی پژوهشگران همچون محمدبن ابی‌شنب و فرزندش سعدالدین بن ابی‌شنب (۱۹۰۷-۱۹۶۸م) مباحث تطبیقی خود را به زبان فرانسوی می‌نگاشتند:

سعدالدین بن ابی‌شنب زندگی‌اش را وقف مبارزات سیاسی کرد، تا آنجا که حکومت فرانسه دستور به بازداشت و زندانی او داد؛ ولی شنب به تونس گریخت و تا انقلاب الجزایر آنجا ماند. او در تونس راه پدرش را ادامه داد و به تدریس و پژوهش ادبیات تطبیقی پرداخت. وی در چندین مقاله که در مجلات فرانسوی به چاپ رسیدند، به بررسی روابط متقابل ادبیات ملل، مسئله تأثیر و تأثر و بازتاب اندیشه‌های فرانسویان و یونانیان بر شعر معاصر عربی پرداخت. شنب پس از انقلاب الجزایر به فعالیت‌های نقدی - تطبیقی خویش ادامه داد و در سال ۱۹۶۳ به تأسیس کرسی ادبیات تطبیقی در دانشگاه الجزایر



اقدام کرد و به دنبال آن و به یاری استادان جوان آن دانشگاه یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۴/انجمن ادبیات تطبیقی تأسیس شد (حنون، ۲۰۰۴ الف: ۱۱۷).

أبی‌شنب پس از انقلاب الجزایر در سال ۱۹۶۳ به تأسیس کرسی ادبیات تطبیقی^{۱۵} در دانشگاه الجزایر اقدام کرد. «این کرسی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۴ در قالب مرکز انجمن ادبیات تطبیقی الجزایر^{۱۶} که به یاری استادان جوان آن دانشگاه تأسیس شد و نشریه آن، دفترهای ادبیات تطبیقی الجزایر^{۱۷}، فعالیت می‌کرد» (جلالی، بی تا: ۱۶۹). و این گونه مؤسسان و فعالان این حوزه ادبی، تحولی نو و فضایی جدید برای دانش‌پژوهان ادبیات تطبیقی در دانشگاه الجزایر فراهم کردند.

با وجود تلاش‌هایی که شنب در این راستا مبذول داشت، ادبیات تطبیقی الجزایر در چارچوب محدود گذشته محصور بود و همچنان تعالیم و اصول آموزشی این شاخه ادبی در فرانسه بر سیستم آموزشی ادبیات تطبیقی الجزایر حاکم بود و نشست‌ها و انجمن ادبیات تطبیقی ادامه راه ادبیات تطبیقی فرانسه و تقلید از تطبیق‌گران این کشور بود (همان، ۱۱۸-۱۱۹).

از جمله کارهای تطبیقی او عاشقان تعیسان: عتتره و ویرهوس^{۱۸} (۱۹۶۶) است (همان، ۱۱۷). پس از اصلاح نظام آموزش عالی «در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۷۰ ادبیات تطبیقی تا حد یک واحد الزامی برای تمام گروه‌های عربی در دانشگاه‌های الجزایر ارتقا یافت» (جبوری، ۱۳۹۳: ۵۶). در سال ۱۹۶۶م مجله‌ای با عنوان دفتر ادبیات تطبیقی الجزایر^{۱۹} به ریاست جمال‌الدین بن‌الشیخ^{۲۰} تأسیس شد که در آن پژوهشگران به زبان فرانسوی و تحت تأثیر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به فعالیت می‌پرداختند (علوش، ۱۹۸۷: ۲۲۵). این مجله به مدت سه سال پیاپی و در سه شماره، در پرتو مکتب فرانسه به کار خود ادامه داد.

این مجله تحت نظارت و آیین‌نامه سازمان روابط بین‌المللی ادبیات تطبیقی^{۲۱} کار می‌کرد. طبق قانون این سازمان، تطبیق‌گران این مجله باید فقط در چارچوب اصول و مبانی مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و در پرتو روابط تاریخی مبتنی بر تأثیر و تأثر پژوهش‌های خود را انجام دهند و حق ندارند اصول مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی را که در سال ۱۹۵۸ در

دومین کنفرانس روابط بین‌الملل در ایالات متحده آمریکا مطرح شد و همچنین پیشنهادات «رنه اتیامبل»^{۲۲} را که در اوایل دهه شصت - که نقدی بر مبانی مکتب فرانسوی بود - عنوان گشت در پژوهش‌های تطبیقی خود اعمال کنند. لذا مجله از تازه‌ترین تحولات ادبیات تطبیقی در جهان معاصر غافل شده و همین امر به افول و در نهایت تعطیلی مجله در سال ۱۹۶۹ انجامید (جلالی، بی تا: ۱۶۹).

پس از بهار سیاسی و اهتمام به زبان عربی در دانشگاه الجزایر «گروه زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات این دانشگاه، از قوانینی که اساتید را به پیروی از اصول دانشگاه فرانسه ملزم می‌ساخت، سر باز زدند و قوانین جدیدی را بنا نهادند و روش تدریس را تغییر دادند و از جمله این تغییرات تدریس به زبان عربی بود» (حنون، ۲۰۰۴ الف: ۱۲۱). این تحولات موجب شد استادان دانشگاه به دو گروه تقسیم شوند:

تطبیق‌گران فرانسوی و استادانی که به زبان فرانسوی سخن می‌گفتند همچون جمال‌الدین بن الشیخ، رئیس مجله دفتر ادبیات تطبیقی الجزایر، دانشگاه را ترک کردند و در مقابل، استادان عرب‌زبان همچون أبو العید دودو^{۲۳} و استاد مصری احمد الطاهر مکی^{۲۴} برای تدریس ادبیات تطبیقی به زبان عربی به دانشگاه الجزایر پیوستند (جلالی، بی تا: ۱۶۹).

الف. ابوالعید دودو

ابوالعید دودو از تطبیق‌گران برجسته‌ای است که در سال ۱۹۶۹م به مقام استادی ادبیات تطبیقی دانشگاه الجزایر منصوب شد. او را اولین استاد ادبیات تطبیقی می‌خوانند که به زبان عربی به تدریس این شاخه ادبی پرداخت، رنگ عربیت به پژوهش‌های تطبیقی بخشید و آن را از حاکمیت قوانین فرانسوی رهانید (نویات، ۲۰۰۴: ۶۷). با ورود به حوزه ادبیات تطبیقی، تألیفات تطبیقی به عربی نوشته شد و به تدریج تطبیق‌گران بیشتری در الجزایر پدیدار شدند. دودو همچنین به «علم تصویرشناسی»^{۲۵} توجه می‌کرد. این شاخه از ادبیات تطبیقی در کتاب‌های مختلف تطبیق‌گران به چشم می‌خورد. ابوالعید دودو در کتاب *الجزایر در آثار جهانگردان آلمانی*^{۲۶} (۱۹۷۰) الجزایر را از سال ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۵ از زبان جهانگردان آلمانی



به‌تصویر کشیده است. در واقع، مؤلف، بسیاری از متونی را که نویسندگان آلمانی پس از بازدید از الجزایر نوشته بودند، به عربی برگردانده و اذعان کرده است:

من معتقدم هر پژوهشگری که به زبان‌های خارجی تسلط دارد باید با مطالعه تصویر الجزایر در کتاب‌های تاریخی که به زبان غیر عربی نوشته شده‌اند، به بازخوانی تاریخ الجزایر بپردازد و با تطبیق آن با سایر کتاب‌های تاریخی نوشته‌شده به زبان‌های دیگر، صحت و سقم آن را روشن نماید؛ زیرا در قرون اخیر به‌سبب حضور ترکان عصر عثمانی و همچنین فرانسویان استعمارگر، ادیبان، نویسندگان، شاعران و شرح‌حال‌نویسان بسیاری از کشورهای مشرق‌زمین و اروپایی وارد الجزایر شدند و پس از بازگشت، هر یک از دریچه نگاه خود پیرامون الجزایر، ملت آن، آداب و رسوم و فرهنگ و سیاست و جوانب دیگر این مرزوبوم دست به قلم بردند و لذا اکنون شاهد آثار مختلفی هستیم که الجزایر را به زبان‌های مختلف به‌تصویر کشیده‌اند (دودو، ۱۹۸۹: ۶-۷).

پژوهش‌های ادبی (مقایسه و تطبیق)^{۲۷} دیگر اثر تطبیقی این مؤلف است.

۲-۳-۲. دهه هفتاد

با فروپاشی سلطه زبان فرانسوی بر پژوهش‌های تطبیقی و به‌رسمیت شناختن زبان عربی در تألیفات ادبی، در دهه هفتاد شاهد باز شدن فعالیت‌های تطبیقی به‌روی دیدگاه‌ها و نظریات جدید این شاخه ادبی هستیم. اولین کسی که به این امر اهتمام ورزید، عبد القادر بوزیده^{۲۸} بود. او به تحولاتی که ادبیات عربی معاصر در نتیجه ارتباطش با ادبیات غرب دچار شده بود، اشاره کرد و در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان «التأثیر والتأثر» در مجله *الثقافة* به‌چاپ رسید درباره این مسئله و مباحث نظری و عملی پژوهش‌های جدید تطبیقی سخن گفت (بوزیده، ۱۹۹۳: ۴۲).

از دیگر تألیفات او؛ تیمور و مویایسان: دو نگاه و دو جهان^{۲۹} (۲۰۰۰) است. نویسنده در این کتاب به بررسی روابط متقابل ادبیات فرانسه و ادبیات عربی و مباحث روش‌شناختی تاریخی و اجتماعی و برخی پژوهش‌های تطبیقی دیگر پرداخته است. وی همچنین در این تألیف اذعان می‌دارد که «بررسی در پرتو اصل تأثیر و تأثر مکتب فرانسه برای رهیافت به

تفسیری جامع از یک اثر ادبی کافی نیست؛ بلکه یک عامل از چندین عامل داخلی و خارجی در بررسی آثار ادبیات ملل است» (بوزیده، ۲۰۰۰: ۴).

پس از دانشگاه الجزایر، دانشگاه‌های فراوانی در مناطق مختلف تأسیس شد؛ در بیش از یک‌سوم آن‌ها ادبیات تطبیقی به زبان عربی تدریس می‌شد که لازمه این امر وجود استادانی جهت تدریس این شاخه نوپا بود. از این‌رو مدرسانی همچون الطاهر احمد مکی، محمود صبح و عزالدین المناصره به دانشگاه‌های الجزایر آمدند. از دیگر سوی دانشجویانی برای تحصیل به دانشگاه‌های خارج فرستاده می‌شدند و امکانات لازم برای پیشرفت این شاخه ادبی در اختیار تطبیق‌گران و استادان قرار می‌گرفت (جلالی، بی‌تا: ۱۷۰).

الف. عبدالمجید حنون

عبدالمجید حنون مؤسس پژوهش‌های تاریخی ادبیات تطبیقی است. خود او در کتاب *فراماسونی و تأثیر آن بر پیشگامان نقد جدید*^{۳۰} (۱۹۹۶) در این باره می‌گوید: «گرایش من به پژوهش‌های تاریخ ادبیات به سال ۱۹۷۶ آن گاه که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه القاهره در کلاس‌های دکتر عطیه عامر حضور داشتم، برمی‌گردد» (حنون، ۱۹۹۶: ۵).

ایشان در سال ۱۹۷۹م پس از بازگشت به الجزایر، در دانشگاه عنابه شروع به تدریس کرد و چندین کتاب و مقاله در عرصه پژوهش‌های تطبیقی نوشت. تألیفات تطبیقی حنون عبارت‌اند از: کتاب *تصویر فرانسه در نمایشنامه‌های مغرب*^{۳۱} (۱۹۷۹) که مشتمل بر ۳۱ رمان درباره فرانسویان به دو زبان فرانسوی و عربی است. این اثر به‌نحوی مانند کتاب *الجزایر در آثار جهانگردان آلمانی ابوالعید دودو* است؛ زیرا مؤلف در آن به بررسی تصویر فرانسویان در آثار نویسندگان الجزایری، تونسی و مغربی پرداخته است و در این زمینه اذعان می‌کند: «ما [تطبیق‌گران] معتقدیم که این نوع پژوهش - تصویرشناسی - بسیاری از دانش‌پژوهان را در آشنایی با آن بخش از ادبیات عربی که مهجور مانده است، یاری می‌رساند» (حنون، ۱۹۸۶: ۱۱). *تأثیر ادبیات فرانسه در ادب الجزایری معاصر*^{۳۲} (۱۹۸۳)، تلاش برای مشخص کردن



مفهوم ادبیات تطبیقی^{۳۳} (۱۹۸۴)، در آمادی به مناسبت صدمین سالگرد تولد ویکتور هوگو،^{۳۴} نقد تاریخی- فرهنگی در شکل‌گیری نقد دانشگاهی عربی^{۳۵} (۱۹۹۰)، مقایسه اسطوره‌های ادبی در ادبیات غربی و عربی^{۳۶} (۱۹۹۵)، ناصرالدین الأسد و نقد تاریخی^{۳۷} (۱۹۹۷)، ادبیات کودکان و ادبیات تطبیقی^{۳۸} (۲۰۰۳)، گوشه‌ای از مقایسه در پرتو میراث نقدی^{۳۹} (۲۰۰۴)، ابوالعید دودو و ادبیات تطبیقی در الجزایر^{۴۰} (۲۰۰۴) و نقد اسطوره و ادبیات معاصر عرب^{۴۱} (۲۰۰۵) از آثار دیگر اوست.

۲-۳-۳. دهه هشتاد

در سال ۱۹۸۱م عبدالله میسوم، کتابی با عنوان تأثیر موشحات بر شعر تروبادور^{۴۲} منتشر کرد. او فعالیت‌های تطبیقی خود را درباره تأثیر موشحات اندلس در تروبادور اروپا از سال ۱۹۶۹م آغاز کرده بود. میسوم در این زمینه می‌گوید:

از سال ۱۹۶۹ به گردآوری منابع و متون مربوطه پرداختم و برای دستیابی به اطلاعات جامع پیرامون پژوهش تطبیقی خود به کشورهای خارج سفر کردم [...] و در کتاب‌های مختلفی که از نویسندگان عرب‌زبان و غیر خواندم به‌طور پراکنده از تأثیر و تأثر شعر غنایی اندلس و اروپا سخن گفته بودند؛ اما اثری را که به‌صورت مستقل به بررسی روابط شعری این مکان جغرافیایی پردازد، ندیدم. لذا درصدد تدوین پژوهش‌های خود در قالب کتاب حاضر برآمدم (میسوم، ۱۹۸۱: ۸).

در سال ۱۹۸۳م، اولین همایش ادبیات تطبیقی در دانشگاه الجزایر برگزار شد. ایده برگزاری این همایش را عبدالمجید حنون مطرح کرد:

در مجلات و نشریات غربیان مطالب بسیاری پیرامون همایش‌ها و سخنرانی‌هایی که تطبیق‌گران در آن همایش‌ها و نشست‌ها ایراد کردند، مطالعه نمودم و از پس آن از خود پرسیدم چرا چنین همایش‌هایی در جهان عرب برگزار نشده است؟ و پاسخی قانع‌کننده را نیافتم. لذا در سال ۱۹۸۲ ایده همایشی پیرامون ادبیات تطبیقی در جهان عرب را نزد وزرای علم و دانش مجلس مطرح کردم (حنون، ۱۹۸۴: ۵).

در نهایت از ۱۴ تا ۱۹ می سال ۱۹۸۳، همایش ادبیات تطبیقی در جهان عرب برگزار شد و در آن ۲۳ سخنرانی به سه زبان عربی، فرانسوی و انگلیسی ایراد شد. عناوین سخنرانی‌های عربی در این همایش به این شرح است: «تاریخ ادبیات تطبیقی در مصر»^{۴۳} از عطیه عامر، «ادبیات تطبیقی عربی»^{۴۴} از حسام الخطیب، «تاریخ ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ملی و خصوصی لبنان»^{۴۵} از ریمون طحان، «روابط ادب عربی با ادبیات بیگانه»^{۴۶} از عبدالحکیم حسان، «وجه تشابه میان قصه‌های عامیانه عربی و یونانی»^{۴۷} از نسیمه عیلان، «تصاویر عربی در ادبیات کلاسیک روسیه»^{۴۸} از جمیل ناصف، «جریان‌های ادب عربی و ادبیات خارجی»^{۴۹} از فائق مخلص، «شاعر پیامبر در ادب معاصر عربی»^{۵۰} از جعفر ماجد، «تأثیر ادبیات فرانسه بر ادبیات معاصر الجزایر»^{۵۱} از عبدالمجید حنون، «انگلیس در ادب احمد فارس شدیاق»^{۵۲} از خالد الکرکی، «تصویر شخصیت صهیونیسم در شعر فلسطینی»^{۵۳} از عزالدین المناصره و «تصویر عرب در شعر اسپانیایی»^{۵۴} از محمود صبح. این سخنرانی‌ها نیز به زبان فرانسوی ایراد شد: «مواقف واقتراحات مقارنیة»^{۵۵} از پیر برنل^{۵۶}، «العقبات اللغویة فی میدان المقارنات الأدبیة»^{۵۷} از مایکل باربو^{۵۸}، «الأدب العربی المترجم»^{۵۹} از نادا توماس^{۶۰}، «العرب فی آثار متیسکیو»^{۶۱} از بدرالدین قاسم الرفاعی، «المغرب فی أدب القرن العشرين فی ألمانيا»^{۶۲} از توماس بلیچر^{۶۳}، «أسطورة العربی فی الأدب الفرنسی حول المغرب الشرقی»^{۶۴} از جان لوئیس مام^{۶۵} و «الکتابة القرآنیة من خلال الآداب الإفريقية»^{۶۶} از انگاندا انکاچما^{۶۷}. دو سخنرانی هم به زبان انگلیسی ایراد شد: «مظاهر من الحیاة والثقافة العربیة فی الأدب الإنجلیزی الوسیط والحديث»^{۶۸} از ت.ه. نوریس^{۶۹} و «طوماس هاردی وفاتح مدرس»^{۷۰} از ع.ج. عوده. سخنرانی‌های مذکور از دو جهت دارای اهمیت بودند: از یک سو در آن‌ها مباحث گسترده‌ای درباره سیر تاریخی ادبیات تطبیقی در جهان عرب مطرح شد و پژوهش‌های تطبیقی مبتنی بر اصل تأثیر و تأثر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی ارائه شد و از دیگر سو پیشنهادهایی درباره همایش بعدی با محوریت «ادبیات تطبیقی: اصطلاح و روش پژوهش»^{۷۱} و نیز انجمن «روابط بین‌المللی عربی»^{۷۲} بیان شد (جلالی، بی تا: ۱۷۶).



یک سال بعد؛ یعنی در ۱۹۸۴م، در دانشگاه عنابه همایش ادبیات تطبیقی در جهان عرب: اصطلاح و روش^{۷۳} از تاریخ ۸ تا ۱۲ جولای برگزار شد. «در این همایش که تطبیق‌گران بزرگ جهان عرب حضور داشتند، تنها دو سخنرانی به تطبیق‌گران الجزایری اختصاص داشت. تطبیق‌گر اول عبدالمجید حنون و دیگری نسیمه عیلان بود» (جلالی، ۲۰۰۸: ۲۳). عبدالمجید حنون در سخنرانی خود به سیر تحولات ادبیات تطبیقی از آغاز تا پایان دهه هشتاد قرن بیستم اشاره کرد و تطبیق‌گران را به رهایی از قیدوبندهای مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی فراخواند:

با پرهیز از چارچوب محدود مکتب فرانسوی و با تأمل در وسعت و فراخی اصول مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی در تعریف ادبیات تطبیقی می‌توان اذعان داشت که این شاخه ادبی به معنای بررسی روابط یک اثر ادبی یا ادیب با آثار ادبی و ادیبان دیگر یا با سایر هنرها و علوم انسانی از ورای مرزهای زبانی، جغرافیایی، فرهنگی و زمانی با هدف کشف اصول مبانی زیباشناختی اثر است (حنون، ۱۹۸۴: ۳۸).

دیگر سخنرانی‌های این همایش عبارت‌اند از: «ادبیات تطبیقی میان مقایسه و مباحثه»^{۷۴} از ریمون طحان، «ادبیات تطبیقی در جهان عرب: اصطلاح و روش»^{۷۵} از سالم أحمد الحمدانی، «درباره اصطلاح ادبیات تطبیقی»^{۷۶} از فاطمه الصافی، «به سوی ادبیات تطبیقی عربی»^{۷۷} از جمیل نصیف التکریتی، «روش و اصطلاح ادبیات تطبیقی در تلاش نخستین»^{۷۸} از خالد الکرکی، «اصطلاح ادبیات تطبیقی در جوامع عربی»^{۷۹} از نسیم نشاوی، «تعریف ادبیات تطبیقی: چالش‌های مرزی»^{۸۰} از عزالدین المناصره و «راه‌های ارتباط میان ادب عربی و فارسی و نقش آن‌ها در تقویت ادبیات تطبیقی»^{۸۱} از بدیع محمد جمعه.

در [همین] ماه (جولای) پیشنهاد تشکیل انجمن روابط بین‌المللی عربی که سال پیش در همایش مطرح گشته بود، به تصویب رسید. از جمله اعضای آن: عبدالمجید حنون از الجزایر، جمیل نصیف التکریتی از عراق، عزالدین المناصره از فلسطین، بدیع محمد جمعه از مصر، خالد الکرکی از اردن، عبدالحکیم الأربد از لیبی و فاطمه الصافی از یمن هستند (جلالی، بی تا: ۱۷۶-۱۷۷).

از جمله پژوهش‌های تطبیقی در این دهه عبارت‌اند از: تصویر فرانسه در ادبیات طاهر و طار^{۸۲} (۱۹۸۲) تألیف شریط أحمد شریط که نویسنده فرانسویان را در قالب دو مجموعه داستانی «طاهر و طار» ترسیم کرده است؛ درباره ادبیات تطبیقی^{۸۳} (۱۹۸۲) به قلم عبدالدایم الشوا که پژوهشی تطبیقی درباره تأثیر ادبیات انگلیسی بر ادبیات عربی معاصر است؛ ترجمه عامل اساسی در ادبیات تطبیقی^{۸۴} (۱۹۸۴) از مختار نویوات که بحثی است در باب نقش ترجمه در فرهنگ و ادب قدیم و معاصر عربی و ضرورت اهتمام به آن؛ تصویر مشرق‌زمین در نمایش‌نامه و داستان‌های والتر^{۸۵} (۱۹۸۴) تألیف عیسی بریهمات که درباره تصویر مشرق‌زمین از زبان ادیب فرانسوی والتر است؛ تأثیرگذاری سارتر در ادب سهیل ادیس^{۸۶} (۱۹۸۶) نوشته غنیه شتوح که پژوهشی تطبیقی در چارچوب مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است؛ و در نهایت سندباد دریانورد و ادیسوس^{۸۷} (۱۹۸۷) تألیف نسیمه مسلاتی عیلان که بررسی تطبیقی وجوه تشابه در اسطوره‌های ملل است.

۲-۳-۴. دهه نود میلادی به بعد

در این دهه، شاهد ظهور کتابی با نام سخنرانی‌هایی در ادبیات تطبیقی^{۸۸} تألیف زبیر الدراقی، استاد دانشگاه تلمسان، هستیم. نویسنده در مقدمه به اهداف کتاب، فصل‌های آن و نیز اختلافات تطبیق‌گران در اصطلاح ادبیات تطبیقی اشاره کرده است (الدراقی، ۱۹۹۲: ۳-۱۳). تاریخچه ادبیات تطبیقی و تحولات این شاخه ادبی در دو قرن نوزدهم و بیستم میلادی، چارچوب و گستره پژوهش‌های تطبیقی و دیدگاه‌های تطبیق‌گران درباره این موضوع، روابط جهانی ادبیات ملل و ابزارهای برقراری این رابطه و مکاتب ادبیات تطبیقی از موضوعات بحث‌شده در این کتاب است.

در سال ۱۹۹۹م، وزارت آموزش و تحقیق الجزایر درصدد تدوین ابلاغیه‌هایی به دانشگاه‌های الجزایر برآمد که درباره گزارش‌هایی در باب پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی و مشتمل بر پنج آیین‌نامه بود (جلالی، بی‌تا: ۱۷۸؛ المرسوم التنفيذي، ۱۹۹۹: شماره ۹۹-۲۵۸):



[سال بعد یعنی] سال ۲۰۰۰ آیین‌نامه دیگری تحت عنوان «مخبر الترجمة والمصطلح» به ۵ آیین‌نامه مذکور ملحق شد. پیرو آن، اساتید آشنا و مسلط به زبان‌های خارجی مانند روسی، آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی، فرانسوی و... به دانشگاه‌های الجزایر راه یافتند تا آثار و تألیفات مختلف جهان اعم از آثار ادبی و سایر هنرها و علوم انسانی را به عربی بازگردانند (جلالی، بی‌تا: ۱۷۸؛ المرسوم التنفيذي، ش ۸۸).

همچنین ذیل شماره ۲۸، آیین‌نامه دیگری با عنوان «گزارش‌نامه ادبیات همگانی و تطبیقی»^{۸۹} پیوست شد که طبق آن، پژوهش‌هایی درباره ادبیات تطبیقی، ادبیات همگانی، نظریه ادبیات، انواع ادبی و ادبیات داستانی و... انجام می‌شد (جمعی از تطبیقگران، ۲۰۰۶: ۴۲۵). در سال ۲۰۰۲م نیز اصلاحاتی در سطح آموزشی- پژوهشی در الجزایر اجرا شد. آیین‌نامه‌ای مبنی بر اینکه در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات عرب، دو واحد درسی افزوده شود، صادر شد: یکی به بررسی اصطلاح ادبیات تطبیقی، تاریخ پیدایش و مکاتب تطبیقی و دیگری به مطالعه پژوهش‌های تطبیقی انجام‌شده در پرتو روابط تأثیر و تأثر ادبیات عرب با ادبیات ملل دیگر اختصاص داشت (جلالی، بی‌تا: ۱۷۹). در سال ۲۰۰۵م، هم تدریس ادبیات تطبیقی در مقاطع بالاتر، یعنی کارشناسی ارشد و دکترا، برای علاقه‌مندان به این شاخه ادبی در دانشگاه الجزایر میسر شد (همان، ۱۸۰). در سال ۲۰۰۸م، همایشی با عنوان ترجمه کنیم و برابر زندگی کنیم^{۹۰} برگزار شد که محورهای آن عبارت بودند از: ترجمه آثار ادبی (ادبیات الجزایری و رابطه بین مترجمان و نویسندگان با متون ترجمه‌شده)، ترجمه و جهانی شدن (ترجمه و روابط بینافرهنگی، نقش مترجم ادبی)، آموزش ترجمه (ترجمه آثار ادبی و آثار غیرادبی، اصول و چارچوب ادبیات تطبیقی). در ابریل در ۲۰۱۵م، نیز همایش دیگری با عنوان پژوهشی ادبی در جهان عرب و ادبیات تطبیقی^{۹۱} با ریاست عبدالمجید حنون درباره ادبیات تطبیقی برگزار شد. ادبیات عربی و پژوهش‌های تطبیقی، ادبیات عربی و ارتباط آن با ادبیات سایر ملل و نیز سایر هنرها و شاخه‌های علوم انسانی، پژوهش‌های نوپا در پژوهش‌های ادبی جهان عرب، ترجمه و ادبیات تطبیقی و تطبیقگران بزرگ جهان عرب، از جمله محورهای این همایش هستند (به نقل از: الملتقیات التبیقیة؛ www.goggle.com).

۵. نتیجه

- نگاه سنتی تطبیق‌گران الجزایری، بیشتر بر مدار جریان اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر تاریخی مکتب فرانسوی می‌چرخیده است و این مسأله سبب انحصار و محدودیت در پژوهش‌های تطبیقی الجزایر گردیده است.

- عدم اهتمام تطبیق‌گران مسلمان الجزایری به نظریه اسلامی ادبیات تطبیقی به دلیل سیطره سیاسی و فرهنگی فرانسویان، واز پیامدهای حضور استعمارگران در این سرزمین است.

- اهمال بحث‌های نظری و نیز برگزاری همایش‌ها و انجمن‌های ادبیات تطبیقی با صبغه غالباً فرانسوی از دیگر ویژگی‌های ادبیات تطبیقی در الجزایر است.

- از پیامدهای حضور استعمارگران در الجزایر، تغییر فرهنگ و زبان آن مرزوبوم بود. ادبیات تطبیقی به‌عنوان یکی از شاخه‌های ادبی نیز از این امر مستثنا نبود و تطبیق‌گران بزرگ و نامی آن زمان، تألیفات خویش را به زبان فرانسوی به رشته تحریر درمی‌آوردند.

- بعد از فروپاشی استعمار در سال ۱۹۶۰، ملت الجزایر کوشید تا فرهنگ، دین و زبان خود را که سال‌ها به حاشیه رانده شده بود، بازگرداند. تعریف زبان پژوهش‌های تطبیقی، اهتمام به بازخوانی تصویر الجزایر در آثار اروپاییان از جمله فرانسویان و آلمانی‌ها، تخصیص واحدهای دانشگاهی به ادبیات تطبیقی و مکاتب این شاخه ادبی و برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی ادبیات تطبیقی جهان عرب، از جمله گام‌های تطبیق‌گران الجزایری در پیشرفت و به‌روزرسانی ادبیات تطبیقی در این کشور است.

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. بهار سیاسی و گشایش‌های سیاسی ناشی از آن به قدرت‌گیری حزب اسلامی «جبهه نجات» در انتخابات سال ۱۹۹۰م منجر شد؛ اما کودتای ارتش سبب نابسامانی اوضاع شد (صدر، ۱۳۵۶: ۱۵۲).
۲. توافقات اویان (Accord d'Évian)؛ این گفت‌وگوها در شهر اویان لِن فرانسه، در حاشیه دریاچه لیمان صورت گرفت و به همین اسم، نام‌گذاری شد (علوی و رضوان‌طلب، ۱۳۹۲: ۲۴۴).
۳. محمدبن ابی‌سَنب المدانی (۱۸۶۹-۱۹۲۹م) ناقد و پژوهشگر الجزایری (محمد الجیلانی، ۱۹۸۳: ۹).
۴. الأصول الإسلامية للکومیدیا الإلهية



5. Miguel Asin Palacios

٦. ر.ك. ميگل آسين پالاسيوس (١٣٨٥). زندگى و مكتب ابن عربى. ترجمه حميدرضا شينخى. تهران: اساطير.

7. La Escatologia musulmana en la Divina comedia. Madrid: Maestra, 1919.

٨. الألفاظ التركيبية و الفارسية الباقية في اللهجة الجزائرية

٩. الألفاظ الطليانية الدخيلة في لغة عامة الجزائر

١٠. الأمثال العربية الدارجة في الجزائر، تونس و المغرب

١١. رمضان حمود (١٩٠٦-١٩٢٩م) شاعر و ناقد الجزائرى است (ناصر، ١٩٨٥: ١٠).

١٢. احمد رضا حوحو (١٩١٢-١٩٥٦م) پيش گام داستان نويسى كوتاه در الجزائر است.

<http://en.wikipedia.org/w/index.php?oldid>

13. Les Misérables

١٤. ويكتور هوگو (Victor Hugo) (١٨٠٢-١٨٨٥م) شاعر ، داستان نويس، درام نويس و بنيان گذار مكتب

رمانتيسم سده نوزدهم فرانسه

<http://en.wikipedia.org/w/index.php?oldid>

١٥. كرسى الأدب المقارن

١٦. جمعية الأدب المقارن الجزائرية

17. Cahiers Algeriens de Littérature Comparée.

18. malheureux amants: Antar Deux et Pyrrhus.

19. Cahiers Algériens de littérature compare.

٢٠. جمال الدين بن الشيخ (١٩٣٠-٢٠٠٥م) شاعر و ناقد الجزائرى (الورارى، ٢٠٠٨: ٣-٢).

21. A.I.L.C

٢٢. رنه اتيامبل (René Etiemble) تطبيقگر برجسته فرانسوى (الخطيب، ١٩٩٩: ٤٣).

٢٣. ابوالعيدودو (١٩٣٤-٢٠٠٤م) پژوهشگر، ناقد و مترجم الجزائرى .

٢٤. احمد الطاهر مكى مترجم، ناقد و تطبيقگر مصرى (جمال، ٢٠١٤: ٢).

25. Imagologie

٢٦. الجزائر في مؤلفات الرّحالين الألمان .

٢٧. دراسات ادبية مقارنة .

٢٨. عبدالقادر بوزيده تطبيقگر و تاريخ نگار الجزائرى (مسعودى، ٢٠١٠: ١٢).

٢٩. تيمور وموبايسان، رؤيتان وعالمان

٣٠. اللاسونية وأثرها في رواد النقد الحديث

٣١. صورة الفرنسي في الرواية المغربية

٣٢. أثر الأدب الفرنسي في الأدب الجزائري الحديث ذي التعبير العربى

٣٣. محاولة لتحديد مفهوم للأدب المقارن

٣٤. تدخل بمناسبة الذكرى المئوية لوفاة فيكتور هيغو

٣٥. السياق التاريخي والثقافي في نشأة النقد الجامعي عند العرب

٣٦. الأساطير الأدبية في الأدب المقارن بين الغربيين والعرب

۳۷. ناصر الدین الأسد والمنهج التاريخي
 ۳۸. أدب الأطفال والأدب المقارن
 ۳۹. لمحة عن المقارنة في التراث النقدي
 ۴۰. أبو العید دودو والأدب المقارن في الجزائر
 ۴۱. النقد الأسطوري والأدب العربي الحديث
 ۴۲. تأثير الموشحات في التروبادور
 ۴۳. تاريخ الأدب المقارن في مصر
 ۴۴. الأدب العربي المقارن
 ۴۵. تاريخ الأدب المقارن في جامعات لبنان الوطنية والخاصة
 ۴۶. صلات الأدب العربي بالأدب الأجنبية
 ۴۷. صور التشابه بين القصص الشعبي العربي والقصص اليوناني
 ۴۸. صور عربية في الأدب الكلاسيكي الروسي
 ۴۹. قضايا بين الأدب العربي والأدب الأجنبي
 ۵۰. الشاعر النبي في الأدب العربي المعاصر
 ۵۱. أثر الأدب الفرنسي في الأدب الجزائري الحديث ذي التعبير العربي
 ۵۲. الإنجليز في أدب أحمد فارس الشدياق
 ۵۳. صورة الشخصية الصهيونية في الشعر الفلسطيني
 ۵۴. صورة العرب في الشعر الإسباني
55. Positions et propositions comparatistes
 56. Pierre Brunel
 57. Les contraintes de langage en matière de comparatisme
 58. Michel Barbot
 59. La littérature arabe traduite
 60. Nada Tomiche
 61. Les Arabes dans l'oeuvre de Montesquieu
 62. Le Maghreb dans la littérature Allemande du xx siècle
 63. Tomas Bleicher
 64. Le mythe de l'arabe dans la littérature française sur le Maghreb oriental
 65. Jean Louis Maume
 66. L'écriture coranique à travers les littératures Africaines
 67. Nguandu Nkachma
 68. Aspects of Arabic life and culture in modern English literature
 69. TH. Nouris
 70. Thomas Hardy, Fateh Mudarres
۷۱. الأدب المقارن: المصطلح والمنهج
 ۷۲. رابطة عربية للأدب المقارن
 ۷۳. الأدب المقارن عند العرب: المصطلح والمنهج
 ۷۴. الأدب المقارن بين المقارنة والمطابقة
 ۷۵. الأدب المقارن عند العرب: المصطلح والمنهج
 ۷۶. حول مصطلح الأدب المقارن



٧٧. نحو منهج عربي للأدب المقارن
 ٧٨. المنهج والمصطلح في المحاولة العربية الأولى في الأدب المقارن
 ٧٩. مصطلح الأدب المقارن في المجتمعات العربية
 ٨٠. بيان الأدب المقارن، إشكاليات الحدود
 ٨١. قنوات الاتصال بين الأدبين العربي والفارسي ودورهما في تدعيم الأدب المقارن
 ٨٢. صورة الفرنسي في أدب الطاهر وطار
 ٨٣. في الأدب المقارن
 ٨٤. الترجمة عامل أساسي في الأدب المقارن
 ٨٥. صورة الشرق في أدب فولتير المسرحي والقصصي
 ٨٦. تأثير سارتر في أدب سهيل إدريس
 ٨٧. السندباد البحري وأوديسيوس
 ٨٨. محاضرات في الأدب المقارن
 ٨٩. مخبر الأدب العام والمقارن
 ٩٠. نترجم ونعيش سويا
 ٩١. الممارسة الأدبية عند العرب والدّرس المقارن

٧. منابع

- آزون، روبر (١٣٦٥). *تاريخ معاصر الجزائر*. مترجم منوچهر بيات مختارى. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسى.
 - ابن باديس، عبدالحميد (١٣٦٨). *مؤلفات عبدالحميد ابن باديس*. اعداد و تصنيف عمار الطالبى. دمشق: دار اليقظة العربيه.
 - بوزيده، عبدالقادر (١٩٩٣). «التأثير والتأثر». *مجلة الثقافة*. العدد ٢- أكتوبر. ص ٤٢ وما بعدها.
 - _____ (٢٠٠٠). *تيمور و موباسان- رؤيتان و عالمان*. الجزائر: منشورات التبيين/ الجاحظية.
 - جبورى، فريال (١٣٩٣). «ادبيات تطبيقي در جهان عرب». *ادبيات تطبيقي (فرهنگستان زبان و ادب فارسى)*. ش ٩. صص ٤٩-٦٤.
 - جلالى، بومدين (٢٠٠٨). «اهتمامات الأدب المقارن في الجزائر». *التبيين*. العدد ٢٩. صص ١٧-٣٨.
 - جلالى، بومدين (بى تا). «مسارات الرؤية الثقافية المقارنية في الجزائر». *Semat: An International Journal*. صص ١٦٣-١٨١.

- جمال، ابوالحسن (۲۰۱۴). الطاهر أحمد مکی ومحطات بين الأدب والأندلس وتحقيق التراث: www.almesryoon.com
- جمعی از تطبیف‌گران (۲۰۰۶). *ملتقى إشكالية الأدب في الجزائر* ۲۶ - ۲۸ / وریل ۲۰۰۵. جامعة عنابة: منشورات مخبر الأدب العام والمقارن.
- حسینی، صالح (۱۳۹۰). «از ادبیات تطبیقی تا ترجمه‌پژوهی». *ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)*. ش ۳. صص ۱-۲۶.
- حنون، عبدالمجید (۱۹۸۴). *أعمال الملتقى الأول للمقارنين العرب*. جامعة عنابة: ديوان المطبوعات الجامعية.
- _____ (۱۹۸۶). *صورة الفرنسي في الرواية المغربية*. الجزائر: ديوان المطبوعات الجامعية.
- _____ (۱۹۹۶). *اللاسونية وأثرها في رواد النقد الحديث*. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- _____ (۲۰۰۴ الف). «أبو العید دودو والأدب المقارن في الجزائر». *مجلة اللغة العربية، مجلة المجلس الأعلى للغة العربية*. عدد خاص. صص ۱۱۱-۱۲۱.
- _____ (۲۰۰۴ ب). «تدخل بمناسبة الذكرى المئوية لوفاة فيكتو هيغو». *المجلة الثقافية مجلة فصلية* تصدر عن الجامعة الأردنية. العدد ۹. صص ۳۰-۴۱.
- حوحو، احمد رضا (۱۹۸۳). *صاحبة الوحي*. الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- خضری، حیدر (۱۳۸۷). «ادبیات تطبیقی در کشور سوریه». *فصلنامه فرهنگی (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق)*. ش ۱۰. صص ۲۰-۳۰.
- الخطیب، حسام (۱۹۹۹). *آفاق الأدب المقارن عربياً وعالمياً*. دمشق - سوریه: دارالفکر.
- الدراقی، زبیر (۱۹۹۲). *محاضرات في الأدب المقارن*. الجزائر: ديوان المطبوعات الجامعية.
- دودو، ابوالعید (۱۹۸۹). *الجزائر في مؤلفات الرحالين الألمان*. الطبعة الثانية. الجزائر: المؤسسة الوطنية للفنون المطبعية.



- رايح، تركى (١٩٧٤). الشيخ عبدالحميد بن باديس. الطبعة الثانية، الجزائر: الشركة الوطنية للنشر والتوزيع.
- سعدالله، ابوالقاسم (١٩٩٨). تاريخ الجزائر من ١٨٣٠ - ١٩٥٤. بيروت - لبنان: دار الغرب الإسلامى.
- سلمان، نور (١٩٨١). الأدب الجزائرى فى رحاب الرفض والتحرير. طهران: دار العلم للملايين.
- شريف، مصطفى (٢٠١٤). الملتقى الدولى محمد بن شنب والإستشراق. بجامعة الدكتور يحيى فارس بالمدينة. بإشراف معالى وزيره الثقافة والسيد والى ولاية المدينة. منشور: الدليل.
- صدر، حسن، (١٣٥٦). الجزائر و مردان مجاهد. ج ٣. تهران: جاويدان.
- علوش، سعيد (١٩٨٧). مدارس الأدب المقارن. بيروت: المركز الثقافى العربى.
- علوى، فريده و زينب رضوان طلب (١٣٩٢). «تحليل جامعه شناختى جنگ استقلال الجزائر و بازنمايى آن در آينه ادبيات». مطالعات سياسى - اجتماعى جهان. د ٣. ش ٣. صص ٢٣١-٢٤٨.
- عبد التواب، رمضان (١٩٧٩). أصول فى فقه اللغة العربية. القاهرة: دار المسلم.
- قادرى، فاطمه (١٣٨٩). «مفدى ذكريًا و شعر مقاومت الجزائر». فصلنامه ادبيات پايدارى. دانشكده ادبيات و علوم انسانى، دانشگاه باهنر كرمان. س ١. ش ٢. صص ٢٣٩-٢٤٠.
- كرد على، محمد (١٩٩٣). المعاصرون. الطبعة الثانية. بيروت: دار صادر.
- محسنى نيا، ناصر (١٣٨٩). «ادبيات تطبيقى، جاىگاه و ضرورتها». مجلة انجمن ايرانى زبان و ادبيات عربى. ش ١٤. صص ٨١-١٠٢.
- مسعودى، ع (٢٠١٠). الإبداع عند وطار لم يكن مسألة ذاتية: [www. maghress.com](http://www.maghress.com)
- محمد الجيلالى، عبدالرحمن (١٩٨٣). محمد بن أبى شنب: حياته وآثاره. الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- مى، الطاهر احمد (٢٠٠٢). الأدب المقارن: أصوله وتطوره ومناهجه. الطبعة الرابعة. القاهرة: مكتبة الآداب.

- میسوم، عبدالله (۱۹۸۱). تأثیر الموشحات فی التروبادور. الجزائر: الشركة الوطنية للنشر والتوزيع.
- ناصر، محمد (۱۹۸۵). رمضان حمود: حياته وآثاره. الجزائر: الشركة الوطنية.
- ندا، طه (۱۹۹۱). الأدب المقارن. الطبعة الثالثة. بيروت: دار النهضة العربية.
- نويوات، مختار (۲۰۰۴). «الدكتور أبو العيد دودو، نبذة وجيزة عن حياته وآثاره». مجلة اللغة العربية، مجلة المجلس الأعلى للغة العربية. عدد خاص. خريف.
- نويهض، عادل (۱۹۷۱). معجم أعلام الجزائر. بيروت: المكتب التجاري للطباعة والنشر.
- وراي، عبداللطيف (۲۰۰۸). جمال الدين بن الشيخ وحاجتنا إلى إرثه التنويري.

www. maghress.com

- <http://en.wikipedia.org/w/index.php?oldid>

- www.google.com